

توسل به رمز و راز زمامداری در جمهوری اسلامی

اکبر گنجی

محمود احمدی نژاد در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علم و صنعت طی یک سخنرانی درباره ی سخنرانی اش در دانشگاه کلمبیای شهر نیویورک گفت:

”بنده وقتی در آنجا حضور داشتم، یقین داشتم که با فضای مسمومی که آنان در دانشگاه ایجاد کرده اند مولایم [امام زمان] خواهد آمد و صحنه را اداره خواهد کرد.”

این سخنان و مدعیاتی مشابه آن، موجی از حملات را به احمدی نژاد معطوف کرد که مدعی ارتباط با امام زمان است. اولاً: مدعی ارتباط با امام زمان کذاب است. ثانیاً: احمدی نژاد با این مدعیات کلیه ی خراب کاری های خود را به گردن امام زمان می اندازد. حداقل ۱۵ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند و این مورد تأیید امام زمان است. مردم را در خیابان ها به گلوله می بندند و این عمل مورد تأیید امام زمان است. آیت الله صانعی را امام زمان از مرجعیت خلع کرد.

محمود احمدی نژاد در ۱۳۸۹ / ۲۷ / ۹ در سیمای جمهوری اسلامی از آغاز اجرای طرح هدفمند سازی یارانه ها از ۲۸ آذر ماه خبر داد و گفت:

”این پولی که به حساب مردم ریختیم پول ویژه است، مملکت ما مملکت امام زمان است همه چیز متعلق به امام زمان و بیت المال است. این پول امام زمان و با برکت است. این پول حلال و پاک است” [۱].

این سخنان بهانه ی تازه ای به مخالفان احمدی نژاد داد تا او را مورد تهاجم جدید قرار دهند. اما اینک او خبر داده است که در واقع این مدعی آیت الله علی خامنه ای است و وی به عنوان زبان سلطان عمل کرده و نظر رهبر را به همه ابلاغ کرده است. احمدی نژاد در ۱۵ / ۱۰ / ۸۹ گفته است:

”من یقین دارم حضرت ولی عصر (عج) اجرای موفق این طرح را مدیریت کرده و هدایت می کنند. عدالت صاحب دارد و صاحب طرح هدفمند شدن یارانه ها که مبنای آن عدالت است حضرت مهدی (عج) است. من پیش از اجرای طرح هدفمند شدن یارانه ها خدمت مقام معظم رهبری رسیدم و ایشان فرمودند ”پول یارانه ها پول امام زمان است و برکت دارد” [۲].

معلوم نیست چرا این سخنان تعجب آور یا نادرست است. این مدعا ناشی از "اسلام فقهاتی" و نظریه ی "ولایت فقیه" است. مطابق این نظریه دولت/حکومت/زعامت سیاسی حق امام معصوم (امام زمان) است. در عصر غیبت، فقیه جامع الشرایط به نیابت از او قدرت را در دست گرفته و فقه را پیاده می کند [۳]. اما مالک حقیقی/واسطه ی فیض/مدیر امور هستی امام زمان است. هیچ عملی بدون اذن او انجام نمی پذیرد. اگر این مدعیات صادق باشند، که عموم شیعیان بدانها باور دارند، سخنان زوج خامنه ای/احمدی نژاد نادرست نخواهد بود. تنها امر اختلافی، مسأله ی ولایت فقیه است که اگر کسی بدان باور داشته باشد او را جانشین امام زمان بداند، مجبور می شود بقیه ی مدعیات علی خامنه ای را هم بپذیرد.

فقیهان ۱۲۰۰ سال است که به نام امام زمان از شیعیان پول می گیرند. ۳۲ سال است که به نام امام زمان حکومت می کنند. نظریه ی امام زمان برای فقیهان ثروت و قدرت به ارمغان آورده است. فقیهان تاکنون حتی یک دلیل عقلی/تجربی بر وجود امام زمان اقامه نکرده اند. این برساخته با منافع آنان سازگار است. هر جا پای منافع در میان بود، باید به مدعیات بیشتر و بیشتر شک کرد. ابتدا باید با شواهد و قرائن متقن نشان داد که امام زمان وجود دارد، سپس نوبت ادله ی جانشینی امام زمان فرا می رسد. اما هیچ ادله ای وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد.

به تعبیر دیگر، فقیهان در خدمت امام زمان نیستند، امام زمان در خدمت منافع اقتصادی و سیاسی فقیهان است. فقیهان هیچ کاری برای امام غائب نمی کنند و نمی توانند بکنند، اما برساخته ی امام زمان به کار فقیهان می آید و ثروت باد آورده و قدرت سیاسی را به "حق ویژه" ی آنان تبدیل می کند. مسأله، مدعیات محمود احمدی نژاد نیست، مسأله برساخته/مدعیات فقیهان است که از زبان احمدی نژاد بیرون می آید.

اسطوره ای کردن قلمرو سیاسی، ارتباط با موجودات رازآلود و حل مسایل اساسی کشور از طریق این نوع موجودات، سابقه ای چند دهه ای دارد و احمدی نژاد مبدع آن نبوده است. به عنوان نمونه، اکبر هاشمی رفسنجانی در خاطرات دو بهمن ۱۳۶۲ نوشته است:

"ظهر در دفترم چند ملاقات داشتم. شخصی بنام تقوی از تبریز آمد؛ از مریدان توبه کرده ی آقای شریعتمداری و مریدان بعدی آقای شهید مدنی است. مدعی بود شخصی که با امام زمان (عج) رابطه دارد، پیامی از آن حضرت، برای امام دارد و به او فرموده اند تا از طریق من و [آیت الله] آقای خامنه ای، خود را به امام برساند. اگر درست باشد، برای ما افتخار بزرگی است. وقت ملاقات برای او می خواست. با [آیت الله] خامنه ای تلفنی صحبت کردم و وقتی معین کردیم" [۴].

بدین ترتیب، هاشمی رفسنجانی و سلطان علی خامنه ای در سال ۱۳۶۲ به مدعی پیام آوری از امام زمان وقت ملاقات می دهند تا به "افتخار بزرگ" دریافت پیام امام زمان نائل شوند. ایندو نه تنها این ادعا را کاذب به شمار نیاوردند، بلکه منتظر دریافت پیام و افتخار بزرگ بودند و هستند.

چهار روز پس از این ماجرا، دومین مدعی ارتباط با امام زمان و منشی گری آن موجود مقدس، به دیدار هاشمی رفسنجانی می رود. هاشمی در خاطرات ۱۳۶۲ / ۶ / ۱۱ نوشته است:

"اول شب در دفتر رئیس جمهور [علی خامنه ای]... مشاوره داشتیم. سپس مهندس زاری و همسرش صبورا ردوبادی آمدند. همسرش مدعی است که امام زمان را زیارت می کند و منشی امام زمان شده است و پیامی برای امام خمینی دارد؛ گفته بودند از طریق ما ملاقات بگیرد. ظاهراً دچار خیال و واهمه است؛ خودش معتقد و مومن است. شوهرش هم به او ایمان دارد. قرار شد به امام بگوییم. **اگر صحت داشته باشد، خیلی مهم است**" [۵].

کافی است آدمی کمترین بهره ی از عقل را داشته باشد، تا دریابد که مدعی منشی امام زمان بودن مدعایی کاذب است. امام زمان با آن همه قدرت که اداره ی امور عالم به دست اوست، چه نیازی به منشی گری خانم ردوبادی دارد؟ اما هاشمی رفسنجانی و علی خامنه ای می پذیرند که این امر را به آیت الله خمینی اطلاع دهند و هاشمی اضافه می کند که "اگر صحت داشته باشد، خیلی مهم است". در ۱۳۶۲ / ۱۷ / ۱۱، هاشمی رفسنجانی طی یک سخنرانی برای گروهی از پاسداران که عازم جبهه های جنگ بودند، به آنان می گوید شما "سربازان امام زمان" هستید [۶]. آیت الله خمینی پرسنل وزارت اطلاعات را "سربازان گمنام امام زمان" به شمار می آورد. احمدی نژاد هم به همین ترتیب دولت خود را سرباز امام زمان قلمداد می کند. اگر شکنجه گران وزارت اطلاعات سربازان گمنام امام زمان باشند، احمدی نژاد و مشایی هم سربازان سرشناس امام زمان خواهند بود. در سال ۱۳۶۳ مجلس به ریاست هاشمی رفسنجانی طرحی را به تصویب رساند که بر مبنای آن، ارتش به "ارتش امام زمان" تبدیل شد [۷].

در همان دوران، آیت الله خمینی امور کشور را به سران قوا واگذار کرده بود. این جلسات با شرکت علی خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، میر حسین موسوی، احمد خمینی و آیت الله موسوی اردبیلی تشکیل می شد. بر اساس ضرورت، افراد دیگری هم در این جلسات شرکت می کردند. آنان باید مسایل کشور را

عقلایی حل می کردند. اما وزیر اطلاعات- ری شهری- توسل به امور رازآلود برای حل مسایل کشور را به جلسه ی سران کشور کشاند. هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۶ نوشته است:

”افطار با دیگر سران قوا، مهمان [آقای ری شهری] وزیر اطلاعات بودیم. شخصی به نام علی بیات، از کارکنان ارتش را- که قدرت استفاده ی از هیپنوتیزم دارد- آوردند. دو نفر نوجوان همراه خودش آورده بود. او آنها را خواب کرد. آتش سیگار بر بدن آنها بی اثر بود. بدن آنها را مثل چوب، خشک و مقاوم می کرد، به گونه ای که سر آنها را روی یک صندلی و پای آنها را روی صندلی دیگر می گذاشت، مثل چوب می ماندند و خم نمی شدند. دو نفر روی آنها می ایستادند. آنها را در زمان به عقب و جلو می برد و درباره ی مقاطع مختلف تاریخ سئوالاتی می کرد؛ البته این موضوع خیلی اطمینان بخش نبود. مدعی است با امواج کار می کند و امراض عصبی را خوب می کند. باید بیشتر بررسی کنیم. برای اولین بار به چنین موردی برخورد کرده ام” [۸].

هاشمی رفسنجانی و دیگر سران کشور مفتون توسل به امور رازآلود شده و در جلسه ی دیگری از سران که اعضای شورای نگهبان قانون اساسی هم حاضر بودند، دوباره فرد یاد شده را حاضر می کنند. هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۶ نوشته است:

”افطار، سران قوا با علمای شورای نگهبان، مهمان رئیس جمهور بودیم... [آقای علی] بیات، مدعی هیپنوتیزم آمد، کار مهمی نتوانست انجام دهد” [۹].

گویی این امر هاشمی را بیشتر از بقیه جذب کرده بود. سه هفته ی بعد، در جلسه ی دیگری آن فرد به حضور هاشمی می رسد تا از نو هنرنمایی کند. هاشمی وی را در خواب به عراق می فرستد تا اخبار عراق صدام حسین را برایش بیاورد. او در خاطرات ۸ خرداد ۱۳۶۶ نوشته است:

”عصر آقای [علی] بیات- دارنده ی قدرت هیپنوتیزم- آمد. یکی از پاسداران به نام حسین دانش راد را خواب کرد. نتوانست امید خدا را خواب کند. دانش راد در خواب به مسائل قابل توجهی جواب می داد. مثلاً به اردوگاه های اسرا در عراق رفت و یا به منزل مادرم در نوق و یا در منزل آقای دکتر روحانی در سرخه ی سمنان و جواب سئوالات را مخلوطی از صحیح و غلط می داد. یک ماشین گم شده و چک گمشده ای از خود من را نشانی داد؛ قابل مطالعه ی بیشتر است. مدعی است امراض را با قدرت خاص از همین هنر معالجه می کنند. مدتی است کتف راستم به خاطر ضربه ای که در اثر پرتاب سنگ دیده، درد می کند. او ماساژ داد و از دستگاهی که اشعه ای را می تاباند، استفاده کرد؛ بی تأثیر نیست. می گوید دو سه جلسه لازم است” [۱۰].

این نوع بهره‌گیری‌ها از امور رازآلود فقط محدود به این مصادیق نبود و نیست. در جمهوری فقیهان، مرده‌ها هم معجزه می‌کنند و گره از کار فرو بسته‌ی آقایان می‌گشایند. هاشمی در خاطرات ۱۲ تیر ۱۳۶۶ نوشته است:

”آشیش محمد هاشمیان [امام جمعه‌ی رفسنجان] آمد. اوضاع رفسنجان را گفت. ماجرای جسد تازه‌ای را که می‌گویند از قرن‌ها پیش در حومه‌ی رفسنجان دفن شده و اخیراً در اثر سیل، قبر باز شده و جسد کشف شده، تعریف کرد. گفت خود ایشان جسد را دیده و لمس کرده. کفن سالم است و آیات سوره‌ی جمعه را دارد. گوشت و استخوان بدن به حال طبیعی مانده ولی خشک است. چند نفر مریض‌های بی‌علاج را شفا داده که تعدادی از آنها را خود ایشان می‌شناسند و این موضوع مورد توجه شدید مردم واقع شده است. جریان‌های سیاسی بر سر مسأله اختلاف دارند. جناح محافظه‌کار، از من خواسته که به آشیش محمد بگویم، زیاد سر و صدا نکنید” [۱۱].

علی‌خامنه‌ای خود را جانشین امام زمان می‌داند که باید این حکومت را مستقیماً به دست او بسپارد. می‌گوید:

”چون حکومت حضرت مهدی یک حکومت اسلامی صد درصد می‌باشد، قبل از این صد درصد می‌بایستی ده درصد، بیست درصد، سی درصد، هفتاد درصد، نود درصد بوجود بیاید تا اینکه به آن صد درصد برسیم و لذا شما الان می‌بینید حکومت ما چند درصد حکومت اسلامی است. هر چه هست به همین ترتیب پیش خواهد رفت تا اینکه حکومت مهدی برسد؛ که آن حکومت صد درصد اسلامی است، آن هم نه فقط در این نقطه از عالم بلکه در همه جا” [۱۲].

آیت‌الله کعبی نماینده خوزستان در مجلس خبرگان، نیز خبر جالبی در خصوص ارتباط علی‌خامنه‌ای با امام زمان، به نقل از خود او، بیان کرده است. خامنه‌ای مدعی است هر وقت کلیه‌ی راه‌ها بر او مسدود می‌شود و هیچ راه حلی برای حل مسأله کشور به ذهنش نمی‌رسد، به جمکران رفته و از طریق امام زمان به حل مسأله نائل می‌شود. می‌گوید:

”یک دفعه به همراه شورای حزب الله لبنان محضر مقام رهبری بودیم. اوج سختی و تنگنایی ما بود و خیلی به حزب الله سخت می‌گذشت. کنفرانس شرم‌الشیخ هم صورت گرفته بود، همه توطئه‌ها شده بود که حزب الله را نابود کنند. موقعی که ما با رهبر معظم جهان اسلام دیدار داشتیم، ایشان به ما امید داد و فرمود: ”شما پیروز می‌شوید، این چیزها زیاد مهم نیست”. سپس اضافه کردند: ”من در اداره‌ی

امور کشور بعضی وقتها حل مسائل برایم دشوار می شود و دیگر هیچ راهی پیدا نمی شود. به دوستان و اعوان و انصار می گویم که آماده شوید به جمکران برویم . راه قم را پیش می گیریم و راهی مسجد جمکران می شویم . بعد از راز و نیاز با آقا، من احساس می کنم همانجا دستی از غیب مرا راهنمایی می کند و من در آنجا به تصمیمی می رسم و مشکل بدین صورت حل می شود و همان تصمیم را عملی می کنم" [۱۳].

سه دهه زمامداری براساس امور رازآلود (امام زمان، هیپنوتیزم، مرده ها، اجنه و...) نتایج خود را برملا کرده است. علم جدید جهان را اسطوره زدایی و افسون زدایی کرده است. سیاست قلمرو عقلانیت و تجربه اندوزی است، نه حل مسائل و رفع مشکلات به کمک موجودات رازآلود. داستان امام زمان، داستان قدرت/ثروت است. احمدی نژاد و مشایی هم بخوبی این را فهمیده اند. قدرت که در دست فقیهان است. ثروت هم که در شیرهای نفت، شهرداری تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، سفارتخانه ها و... است. احمدی نژاد و مشایی در توسل به امام زمان از فقیهان جلو زده اند. آنها که خود این موجود مقدس را برساخته اند، بیش از هر کس از حقیقت برساخته ی خود اطلاع دارند. فقیهان که خود استاد این کارند، مجبورند دائماً توضیح دهند که این دیگر نمی شود و با اصل داستان/روایت ما سازگار نیست. اما اگر فقیهان مجاز باشند روایت/قصه ی خود را از امام زمان بسازند، چرا احمدی نژاد و مشایی مجاز نباشند. وقتی عقل پیشینی (فلسفه) و عقل پسینی (علم تجربی) ملاک داوری نباشند، همه روایت ها به یک میزان معتبر خواهند شد. علی خامنه ای و مریدانش او را جانشین امام زمان معرفی می کنند، دیگران هم وی را جانشین شیطان یا خود شیطان قلمداد می کنند. برآستی حقیقت کدام است، وقتی عقل و برهان تعطیل باشد؟

منبع، رادیو بی. بی. سی، ۱۰/۱۷/۱۳۸۹.

پاورقی ها:

۱- متن کامل سخنان احمدی نژاد در لینک زیر است:

<http://news.gooya.com/politics/archives/2010/12/115000.php>

۲- رجوع شود به لینک: http://rajanews.com/detail.asp?lang_id=&id=75126

۳- به عنوان نمونه، هاشمی رفسنجانی در سخنرانی در کنگره ی امام رضا، ولی فقیه را "نایب ائمه" قلمداد می کند(کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۳، به سوی سرنوشت ، دفتر معارف انقلاب، صص ۴۲۰-۴۱۹). هاشمی رفسنجانی همین موضوع را در سخنرانی ۱۳۶۴/۲۶/۱۰ در جمع روحانیون حزب جمهوری اسلامی توضیح داده و گفته که حکومت اسلامی فقط مخصوص امام زمان نیست، در عصر غیبت نیز باید حکومت اسلامی تشکیل داد و ولی فقیه در رأس این حکومت قرار می گیرد.

۴- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۲ ، آرامش و چالش ، دفتر معارف انقلاب، ص ۳۴۲.

۵- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۲ ، آرامش و چالش ، ص ۳۴۶.

۶- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۲ ، آرامش و چالش ، ص ۴۳۹.

۷- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۳، به سوی سرنوشت ، ص ۴۳۸.

۸- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶ ، دفاع و سیاست ، دفتر معارف انقلاب، ص ۹۳.

۹- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶ ، دفاع و سیاست ، ص ۹۷.

۱۰- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶ ، دفاع و سیاست ، ص ۱۲۴.

۱۱- کارنامه و خاطرات هاشمی رفسنجانی سال ۱۳۶۶ ، دفاع و سیاست ، ص ۱۶۹.

۱۲- کتاب مصاحبه‌های رهبری ، ص ۲۲۳، ۱۳۶۰ش

۱۳- پایگاه اطلاع رسانی دولت: <http://www.dolat.ir/NSite/FullStory/?id=194432>